



ترجمه فارسی کتاب ساختار معنایی مثنوی معنوی تألیف سید سلمان صفوی با مقدمه سید حسین نصر معرفی کرد. وی در پایان سخنان خود یاد و نام سلمان فارسی (صحابی بزرگ پیامبر) را به عنوان نخستین مترجم قرآن به فارسی گرامی داشت و او را مایه سربلندی و افتخار ایرانیان دانست.

پس از سخنان ایرانی، دکتر سید علی موسوی گرمارودی (مترجم قرآن و شاعر) مدیریت جلسه را به عهده گرفت و با قرائت بیتی از غزل نوذر پرنگ (نشوی شیون افتادن مهتاب به آب/ تا چو یاس از در و دیوار نیابی زین هوش) گفت: کتاب عمادی حائری مثال همان یاسها در زمستان سرد است و تنها کسانی از دشواری و رنج این کار آگاه خواهند شد که خود دستی در این گونه کارها داشته باشند.

وی در ادامه به توصیف اجمالی مباحث کتاب و نظریه‌های مطرح در آن پرداخت و افزود: هرکس این کتاب را حتی تورقی کند، متوجه میشود که مؤلف چه کار بزرگی انجام داده و همگی منابع را از نظر گذرانده است.

سپس اولین سخنران نشست، دکتر ابوالقاسم امامی (مترجم قرآن و استاد زبان و ادبیات عرب) به معرفی و

شصت و پنجمین نشست از سلسله نشستهای مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چهره‌گشایی، نقد و بررسی کتاب قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل، تألیف سید محمد عمادی حائری اختصاص داشت.

این نشست عصر روز چهارشنبه ۱۳۸۷/۳/۸ با سخنرانی دکتر آذرتاش آذرنوش، دکتر ابوالقاسم امامی، سید محمد عمادی حائری (پژوهشگر اثر) و دکتر سید علی موسوی گرمارودی، و با حضور جمعی از صاحب‌نظران و علاقه‌مندان در محل مرکز برگزار شد.

در ابتدای نشست، اکبر ایرانی، رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ضمن اشاره به پیشینه تصحیح و تحقیق متون کهن در مرکز پژوهشی میراث مکتوب، به سلسله پژوهشهای جدیدی در مرکز اشاره کرد و یادآور شد که کتاب قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل اولین ثمره این طرح است. وی موضوع این سلسله پژوهشها را «متن‌شناسی» عنوان کرد و افزود: در نظر داریم از افرادی که به دنبال تحلیل متون هستند حمایت کنیم و در آینده روش‌نامه‌ای نیز برای تحلیل متون به دست خواهیم داد. ایرانی ضمن ابراز خرسندی از اینکه نخستین اثر از سلسله پژوهشهای «متن‌شناسی» به موضوعی قرآنی اختصاص یافته، دومین اثر از سلسله «متن‌شناسی» مرکز را



گزارش میراث

دومین سخنران نشست، دکتر آذرتاش آذرنوش (محقق، مترجم و استاد زبان و ادبیات عرب) بود. وی در آغاز به مخالفت با نظر امامی درباره بیان موجز مؤلف کتاب پرداخت و با ستایش نگارش موجز پژوهشگر اثر گفت: من کتاب آقای عمادی حائری را مانند یک رمان روان تا آخر خواندم و این کوتاه‌نوشتن ایشان را کاری مدرن و اروپایی می‌دانم و به او تأکید می‌کنم نه تنها از این کار دست بردارد، بلکه بر این امر بیفزاید. بیماری نوشته‌های ما پرگویی است که میان ما و عربها مشترک است. پس این مؤلف به خاطر مجمل‌نویسی‌اش باید تمجید شود.



وی سپس به تاریخ ترجمه‌های قرآنی پرداخت و با اشاره به کم‌کاری محققان ادبیات فارسی و عربی در این حوزه گفت: متأسفانه ما کوچک‌ترین تحقیقی در علم ترجمه نکرده‌ایم و هرچه داریم به همت زبان‌شناسان فراهم آمده است. وی عکس‌العمل مترجمان در برابر متن را وابسته به هدف ترجمه و فضای فکری و ذهنی مترجم دانست و گفت: مترجم متن قرآن یک‌واژه‌های ایرانی را در ذیل آیه‌های قرآنی می‌نویسد و نیمی از کار را انجام می‌دهد و نیمی دیگر را به عهده خواننده می‌گذارد. اما همین مترجم در تفسیر همان آیه آنقدر زیبا می‌نویسد و فصاحت و بلاغتی به خرج می‌دهد که انسان متحیر می‌ماند. آذرنوش ضمن اشاره به موضوعات مطرح امروز در خصوص ترجمه، به اصل «روانکاوای مترجم» اشاره نمود و آن را در مقوله ترجمه مسئله‌ای مهم قلمداد کرد که منجر به تنوع ترجمه‌ها شده است. وی در ادامه افزود: در طول سالیان برخی کتابها را ترجمه‌های مستقلاً از قرآن پنداشته‌اند، حال آنکه این ترجمه‌ها جز تحریر گویش پذیرفته ترجمه قرآن در ترجمه تفسیر طبری نیست.

توضیح فصول مختلف کتاب پرداخت و گفت: این کتاب به راستی کاری ابتکاری، زیبا، پرثمر و سودمند است و من وقتی این کتاب را می‌خواندم آرزو می‌کردم چنین کتابی بنویسم. تألیف این کتاب کار بسیار مشکلی بود و این کتاب آغاز بسیار بزرگ و مبارکی برای سلسله «متن‌شناسی» است. امامی در ادامه، ضمن اذعان به استعداد پژوهشگر کتاب و ستایش از محتوای اثر، مقدمه فشرده و فرمولوار آن را منجر به دیرفهمی مخاطب قلمداد کرد و گفت: چنانچه بسطی در معانی این کتاب صورت گیرد بر فایده اثر بسیار افزوده خواهد شد.

وی افزود: من ملاحظاتی در باب بخشهایی از کتاب دارم که البته به هیچ وجه از ارزش کار مؤلف نمی‌کاهد: برخی از نمونه‌هایی که مؤلف محترم ترجمه تفسیری به حساب آورده‌اند (مانند «نیکخواهان» در مقابل «ناصحون») به نظر من بیشتر نوع دیگری از ترجمه است تا ترجمه تفسیری. بیان پژوهنده نیز در این کتاب بسیار موجز و فرمولی است و از علائم و نشانه‌ها — هرچند به قصد ایجاز — به صورت افراطی استفاده شده است، حال آنکه بیان ریاضی مؤلف برای مباحث ادبی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد؛ چه بهتر بود که این کتاب کمی گسترده‌تر، روشن‌تر و کم‌رمزتر نوشته می‌شد.

وی در پایان حجت‌الاسلام محمد نقدی (رئیس مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی) را — که در جلسه حاضر بود — مورد خطاب قرار داد و گفت: اگر ما مخاطب قرآن هستیم باید مسئله تنوع زبانی در ترجمه‌های قرآن را حل کنیم. به جای اینکه ترجمه‌های مختلفی از قرآن به فارسی ارائه کنیم، باید نهادی مسئولیت ترجمه معیار قرآن را بپذیرد و واژه‌ها و عبارات مورد بحث قرآن را توضیح دهد و یک ترجمه واحد از قرآن به فارسی ارائه کند تا مخاطب قرآن با ترجمه‌های متعدد مواجه نباشد.

پس از سخنان امامی، موسوی گرمارودی به مخالفت با پیشنهاد او پرداخت و گفت: قرآن تغییرناپذیر است، در عین حال ترجمه آن کاری است هنری. ترجمه هر فرد رنگ و بوی هنری خودش را دارد و هر ترجمه یک کار مستقل و خاص است. پیشنهاد دکتر امامی به این می‌ماند که برای شعر دستورالعمل صادر کنیم. امامی در پاسخ گفت: سخن من ناظر به وحدت قرآن است نه هنر مترجمان.

وی نظریه عمادی حائری (مؤلف کتاب) را پیشروتر از نظر خود دانست و گفت: ایشان در این زمینه حتی پا را از من هم فراتر می‌گذارد. مثلاً من معتقدم میبیدی از ترجمه طبری تنها الهام گرفته است، اما عمادی می‌گوید: این آثار بیش از آنچه ما فکر می‌کنیم تقلیدی از ترجمه رسمی محسوب می‌شود. وی توانسته با ظرافتهای خاص خود ثابت کند کتابهای مشابه ترجمه تفسیر طبری، در واقع اقتباسی از نسخه رسمی اثرند.

وی افزود: من به‌هیچ‌رو ارزش کار فردوسی در شاهنامه را منکر نمی‌شوم، اما شاهنامه زبان فاخر ایرانی است و ترجمه تفسیر طبری زبان انسانهای زنده‌ای است که در کوچه و بازار روزگار می‌گذرانند و نماز می‌خوانند. ارزش ترجمه تفسیر طبری — که شصت سال پیش از شاهنامه فراهم آمده — برای ما ایرانیان به هیچ‌وجه کمتر از شاهنامه نیست؛ حال آنکه درباره شاهنامه هزاران کتاب و مقاله داریم، اما درباره این متن به عدد انگشتان یک دست نیز مقاله تحقیقی نداریم. وی در پایان پیشنهاد تصحیح تازه‌ای از ترجمه تفسیر طبری را مطرح کرد و گفت: شاید بزرگ‌ترین خدمت به قرآن و همچنین زبان فارسی چاپ عالمانه کتاب ترجمه تفسیر طبری باشد. وی این کار را گامی علمی و مهم قلمداد کرد که باعث سرفرازی زبان فارسی خواهد شد.



در پایان سید محمد عمادی حائری (مؤلف اثر) به ایراد سخن پرداخت. وی با اشاره به سخنان دکتر امامی

در باب پیشنهاد ترجمه همگانی از قرآن گفت: سخنان دکتر امامی خواه ناخواه نشان داد که اندیشه فراهم آوردن «ترجمه رسمی» از آیات قرآن هنوز هم زنده است.

وی تأکید کرد: من در این کتاب در وهله نخست به دنبال پرسشهای خود بودم. در آغاز تحقیق نظریه دکتر آذرنوش را در دست نپذیرفتم یا نظریه دکتر رواقی را رد نکردم؛ من کوشیدم بدون پیش‌فرض ذهنی قبلی این دو نظریه را به آزمون بگذارم؛ و در طی این آزمون نظریه آذرنوش اثبات شد و من دلایل دیگری نیز در اثبات آن ارائه کردم. وی با اشاره به بیان موجز خود در کتاب گفت: برای من بسط‌دادن مطالب آسان بود، اما من بر خود سخت گرفتم تا کار خواننده را آسان کنم و او را آرام آرام به مقصد برسانم. این کتاب با دیدگاهی میان‌رشته‌ای نوشته شده و اگر من مطالب را تفصیل می‌دادم برای خواننده حاصلی جز سردرگمی نداشت.

عمادی حائری افزود: فصول این کتاب همچون حلقه‌های به‌هم پیوسته‌ای است که در نگاه نخست جدا جدا می‌نماید، اما وقتی به فصل ششم و بیان نظریه بازسازی متون می‌رسیم، پیوستگی فصلها آشکار می‌شود.

وی با تأکید بر اهمیت نظریه‌های ترجمه گفت: بارها شنیده‌ایم که می‌گویند مترجمان قدیم تئوری ترجمه نداشته‌اند، در حالی که یکی از نظریه‌های فلسفی ترجمه در امروز نیز بر برابرگذاری لفظ به لفظ تأکید می‌کند. اینکه ما می‌بینیم مترجمان در برگردان متن قرآن کاملاً مقید به زبان مبدأ هستند اما در تفسیر آزاد و رها عمل می‌کنند نشان می‌دهد که آنها تئوری ترجمه داشته‌اند.

نویسنده قرآن فارسی کهن، با تأکید بر تأثیر محیط در برگردانهای مترجمان ایرانی قرآن، گفت: برابرنهادهای قرآنی در ترجمه‌ها گاه نمایشگر ذهنیت اجتماعی و سیاسی مترجمان‌اند. وی تاریخگذاری متون فارسی قرآنی را یکی از شایان توجه‌ترین مباحث این رساله دانست و نیز یادآور شد که مقصود وی از تحریرهای گوناگون، چیزی بسیار فراتر از نسخه‌بدلهاست.

عمادی حائری در ادامه به نظریه مطرح شده در فصل ششم کتاب خود اشاره کرد و بر فهم صحیح این نظریه و خودداری از افراط و تفریط در باب آن تأکید کرد.

